

لئون تروتسکی

انترناسیونال

آیا متفقین آخرین فرصت را از دست خواهند داد؟

(ژانویه ۱۹۱۸)

برگردان: گرایش مارکسیستهای انقلابی ایران

بیانیه زیر از سوی ل. تروتسکی، کمیسر خلق در امور خارجه دولت روسیه، در ۲۹ دسامبر از طریق ایستگاه‌های بی‌سیم دولت روسیه مخابره شد. در روز جمعه، ۴ ژانویه، بخش‌هایی از آن برای انتشار آزاد گردید. پاراگراف نخست منتشر شد و در همان شب، ارگان‌های لیبرال مطبوعات خواستار توضیح علت خودداری پنج‌روزه از انتشار اطلاعات شدند. مطبوعات

در آن زمان، و ظاهراً هنوز هم، از این واقعیت بی‌اطلاع بودند که پاراگراف‌های منتشرشده تنها گزیده‌هایی از سندی با اهمیتی ژرف و جهانی بوده‌اند.

خطاب به همه ملت‌ها و دولت‌های کشورهای متفق

مذاکرات صلح در برست-لیتوفسک، میان هیئت نمایندگی جمهوری روسیه و هیئت‌های نمایندگی آلمان، اتریش-مجارستان، ترکیه و بلغارستان، به مدت ده روز تا ۸ ژانویه متوقف شده است، با این هدف که آخرین امکان به کشورهای متفق داده شود تا در مذاکرات بعدی شرکت کنند و خود را از همه پیامدهای یک صلح جداگانه میان روسیه و کشورهای دشمن مصون بدارند. در برست-لیتوفسک دو برنامه تدوین شده است. نخست بیانگر دیدگاه‌های کنگره سراسری روسیه نمایندگان کارگران،

سربازان و دهقانان است. دومی به نام دولت‌های آلمان و متحدانش ارائه شده است.

برنامه دولت روسیه، برنامه یک دموکراسی سوسیالیستی نهایی است. هدف این برنامه، ایجاد چنان شرایطی است که، نخست، هر ملیت، مستقل از قدرتش و سطح تکامل عمومی‌اش، از آزادی کامل برای پیشرفت ملی خود برخوردار باشد؛ و دوم، همه ملت‌ها در همکاری اقتصادی و فرهنگی متحد شوند.

برنامه دولت‌های کشورهایایی که با ما در جنگ‌اند، با این اعلام مشخص می‌شود که قدرت‌های متحد (آلمان، اتریش-مجارستان، ترکیه و بلغارستان) قصد الحاق قهری سرزمین‌های اشغال‌شده در جریان جنگ را ندارند؛ بدین معنا که کشورهای دشمن آماده‌اند - مطابق یک پیمان صلح - از سرزمین‌های اکنون اشغال‌شده بلژیک، ایالات شمالی

فرانسه، صربستان، مونته‌نگرو، رومانی، لهستان، لیتوانی و کورلند خارج شوند، با این هدف که سرنوشت آینده سرزمین‌هایی که ماهیت حکومتشان مورد مناقشه است، به وسیله جمعیت‌های مربوطه خودشان تعیین شود. این گام که دولت‌های دشمن تحت فشار شرایط و عمدتاً تحت فشار طبقات کارگر خود برای پاسخ‌گویی به مطالبات دموکراسی برمی‌دارند، در صرف‌نظر کردن از الحاق‌های قهرآمیز جدید و غرامت‌ها خلاصه می‌شود.

اما در حالی که دولت‌های دشمن از الحاق‌های جدید صرف‌نظر می‌کنند، بر این گمان‌اند که الحاق‌های کهنه و خشونت‌های گذشته علیه ملت‌ها، به واسطه نسخه تاریخی، مشروعیت یافته‌اند. این بدان معناست که سرنوشت آلاسکا-

لورین، ترانسیلوانیا، بوسنی-هرزگوین و مانند آن‌ها از یکسو، و ایرلند، مصر، هند، هندوچین و مانند آن‌ها از

سوی دیگر، نباید مورد بازنگری قرار گیرد. چنین برنامه‌ای عمیقاً ناسازگار است و سازشی است بی‌پایه اصولی میان ادعاهای امپریالیسم و مطالبات دموکراسی کارگری. با این همه، ارائه چنین برنامه‌ای گامی بزرگ به پیش است.

دولت‌های ملت‌های متفق (آن‌هایی که با روسیه هم‌پیمان‌اند) تا کنون به مذاکرات صلح نپیوسته‌اند و به‌سختی از بیان روشن دلایل موضع خود سر باز زده‌اند. اکنون دیگر نمی‌توان ادعا کرد که جنگ برای آزادسازی بلژیک، ایالات شمالی فرانسه، صربستان و غیره است، زیرا آلمان و متحدانش آمادگی خود را برای خروج از این سرزمین‌ها، در صورت انعقاد صلحی عمومی، اعلام کرده‌اند.

اکنون که دشمنان شرایط صلح خود را اعلام کرده‌اند، حل دشواری‌های موجود با عبارات کلی درباره ضرورت ادامه جنگ تا پایان، ناممکن است. لازم است برنامه صلح فرانسه، ایتالیا، بریتانیای کبیر و ایالات متحده به روشنی بیان شود. آیا آن‌ها، همچون ما، خواستار اعطای حق تعیین سرنوشت به ملت‌های آلاسکا-لورن، گالیسیا، پوزن، بوهمیا و اسلاویای جنوبی هستند؟ و اگر چنین است، آیا همچنین آماده‌اند حق تعیین سرنوشت را در مورد ملت‌های ایرلند، مصر، هند، ماداگاسکار، هندوچین و دیگر کشورها به رسمیت بشناسند؛ همان‌گونه که تحت انقلاب روسیه این حق به ملت‌های فنلاند، اوکراین، روسیه سفید و دیگر نواحی اعطا شده است؟ روشن است که مطالبه اعطای حق تعیین سرنوشت به ملت‌هایی که جزئی از دولت‌های دشمن‌اند، و در عین حال، امتناع از اعطای این

حق به ملت‌های درون دولت‌های خود یا مستعمراتشان، به معنای طرح برنامه‌ای از عریان‌ترین امپریالیسم خواهد بود.

اگر دولت‌های کشورهای متفق آمادگی خود را اعلام کنند که همراه با دولت روسیه، صلحی را بر پایه شناسایی کامل و بی‌قیدوشرط اصل حق تعیین سرنوشت برای همه ملت‌ها در همه دولت‌ها بنا نهند، و اگر با اعطای این حق به ملت‌های تحت ستم دولت‌های خودشان آغاز کنند، چنین کاری شرایط بین‌المللی‌ای پدید خواهد آورد که در آن، هنگامی که برنامه‌های ذاتاً متناقض آلمان و به‌ویژه اتریش-مجارستان در تمام ضعفشان آشکار شود، اعتراض‌ها به‌واسطه فشار همه ملت‌های ذی‌نفع رفع گردد. اما تا کنون، دولت‌های متفق به هیچ‌وجه آمادگی خود را برای پذیرش صلحی واقعاً دموکراتیک نشان نداده‌اند؛ و با

توجه به خصلت طبقاتی‌شان، نمی‌توانستند هم نشان دهند. آنان نسبت به اصل تعیین سرنوشت ملی، نه کمتر از دولت‌های آلمان و اتریش-مجارستان، بدگمان و خصمانه‌اند. در این نکته، پرولتاریای بیدار شده کشورهای متفق، همچون ما، توهمی ندارد. با موضع کنونی دولت‌ها، تنها امکان این است که برنامه سازش امپریالیستی، که پایه شرایط صلح آلمان است، با برنامه‌ای دیگر از سازش امپریالیستی مواجه شود، یا جنگ ادامه یابد. اما اکنون که در برست-لیتوفسک دو برنامه پیش روی ماست، لازم است پاسخی روشن و قاطع داده شود. برای ادامه مذاکرات صلح ده روز مهلت داده شد. روسیه در این مذاکرات به موافقت دولت‌های متفق متکی نیست. اگر آنان همچنان با صلحی عمومی مخالفت کنند، هیئت نمایندگی روسیه با این حال به مذاکرات صلح ادامه خواهد داد. صلحی جداگانه

که به امضای روسیه برسد، بی‌تردید ضربه‌ای سنگین به کشورهای متفق، پیش از همه به فرانسه و ایتالیا، وارد خواهد کرد. پیش‌بینی پیامدهای اجتناب‌ناپذیر یک صلح جداگانه باید سیاست نه تنها روسیه، بلکه فرانسه و ایتالیا و همه کشورهای متفق دیگر را تعیین کند. دولت روسیه همواره برای صلحی عمومی کوشیده است. هیچ‌کس نمی‌تواند اهمیت نتایج به‌دست‌آمده در این زمینه را انکار کند؛ اما در باب آینده، همه چیز به خود ملت‌های متفق بستگی دارد. واداشتن دولت‌هایشان به بیان فوری برنامه‌های صلح و مشارکت در مذاکرات صلح، برای ملت‌های گوناگون متفق به مسئله‌ای از بقای ملی بدل شده است. انقلاب روسیه راه را برای صلحی عمومی و فوری بر پایه توافق گشوده است. اگر دولت‌های متفق بخواهند از این آخرین فرصت استفاده کنند، مذاکرات عمومی

می‌تواند فوراً در یکی از کشورهای بی‌طرف آغاز شود. در این مذاکرات، با شرط علنیّت کامل، هیئت نمایندگی روسیه همچنان از برنامه دموکراسی سوسیالیستی بین‌المللی در برابر برنامه امپریالیستی دولت‌ها، چه متفق و چه دشمن، دفاع خواهد کرد. موفقیت برنامه ما به درجه‌ای بستگی دارد که اراده طبقات امپریالیستی به‌وسیله کار پرولتاریای انقلابی در هر کشور فلج شود. اگر دولت‌های متفق با سرسختی کورکورانه‌ای که ویژگی طبقات رو به زوال و در حال احتضار است، بار دیگر از شرکت در مذاکرات صلح سر باز زنند، آنگاه طبقات کارگر با ضرورتی آهنین روبه‌رو خواهند شد: گرفتن قدرت از دست کسانی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند صلح را به ملت‌ها بدهند.

در این ده روز، سرنوشت صدها هزار و میلیون‌ها جان انسانی تعیین خواهد شد. اگر در جبهه‌های فرانسه و ایتالیا پیش از آغاز یورش تازه، آتش‌بس برقرار نشود، یورشی که همانند همه یورش‌های پیشین، غیرعقلانی، بی‌رحمانه و بیهوده است، قربانی‌هایی تازه و غیرقابل محاسبه از هر دو سو خواهد طلبید. این جنگ، که به‌وسیله طبقات مسلط آغاز شد، به‌طور منطقی به سوی نابودی کامل ملت‌های اروپایی پیش می‌رود. اما مردم زنده خواهند ماند، و حق دارند زنده بمانند. آنان باید همه کسانی را که اجازه نمی‌دهند آزادانه زندگی کنند، سرنگون سازند. با خطاب قرار دادن دولت‌ها با پیشنهاد کنونی برای مشارکت در مذاکرات صلح، ما هرگونه پشتیبانی را به طبقات کارگر هر کشوری وعده می‌دهیم که زیر پرچم صلح، برادری ملت‌ها و بازسازی سوسیالیستی جامعه، علیه

امپریالیست‌ها، شوونیست‌ها و میلیتاریست‌های ملی خود
برخیزند.

ل. تروتسکی

کمیسر خلق در امور خارجه

مانیفست کمیسیون سوسیالیستی بین‌المللی زیمروالد و
نمایندگان خارجی کمیته اجرایی بلشویک‌ها:

«کارگران زن و مرد! در ۷ نوامبر، در پتروگراد،
کارگران و سربازان بر دولت سرمایه‌داران و زمین‌داران
پیروز شدند. ... در زمانی که این مانیفست را می‌خوانید،
ناوگان بالتیک، ارتش در فنلاند، و اکثریت عظیم سربازان
در جبهه و پشت جبهه، زیر پرچم دولت شوراهای
کارگران و سربازان صف کشیده‌اند. دولتی که به‌تازگی

از قدرت به زیر افکنده شد، و بر ویرانه‌های تزارسم به دست مردم برپا شده بود، منافع مردم را لگدمال کرد؛ بهای نان را به سود زمین‌داران بالا برد؛ جنگ‌سوداگران را دست‌نخورده گذاشت؛ به جای آزادی، دادگاه‌های صحرایی به توده‌ها داد؛ هیچ تلاشی برای ورود به مذاکرات صلح نکرد، بلکه همچنان سربازان و کارگران را به جنگ می‌راند، همچون گروگان‌های طبقات سرمایه‌دار متفق. کارگران و سربازان پتروگراد این دولت را بیرون راندند، همان‌گونه که پیش‌تر تزار را رانده بودند. نخستین سخن آنان صلح است. آنان خواهان آتش‌بسی فوری‌اند، مذاکرات صلحی فوری که باید به انعقاد صلحی شرافتمندانه، بدون الحاق و غرامت، و بر پایه حق هر ملت برای تعیین سرنوشت خویش بینجامد. کارگران زن و مرد! پتروگراد سرخ شما را فرامی‌خواند

— شما را که در برابر شبخ چهارمین زمستان جنگ ایستاده‌اید؛ با دستان یخ‌زده‌اش که به سوی پسران، پدران و برادرانتان دراز شده است. سخن بعدی با شماست.

هرچند کارگران و سربازان روسیه دلیر باشند، آنان به‌تنهایی نمی‌توانند نان، آزادی یا صلح را به‌دست آورند. سرمایه‌داران، زمین‌داران و ژنرال‌های روسیه، همه نیروهای استثمار و ستم، هر تلاشی خواهند کرد تا انقلاب کارگران و سربازان را در خون غرق کنند. خواهند کوشید تدارک مواد غذایی برای شهرها را قطع کنند؛ و قزاق‌ها را علیه انقلاب بشورانند. این دشمن داخلی تنها خطر مرگبار تهدیدکننده سیاست صلح‌طلبانه انقلاب روسیه نیست. دولت‌های قدرت‌های مرکزی، همانند دولت‌های متفق، دشمنان انقلاب روسیه‌اند، زیرا این انقلاب راه را برای رهایی توده‌ها در سراسر جهان هموار می‌کند.

قدرت‌های مرکزی ممکن است بکوشند از جنگ داخلی بهره گیرند تا پیروزی‌های تازه‌ای به‌دست آورند و بدین‌سان اراده رو به افول ملت‌های خود را برای ادامه جنگ تقویت کنند. کشورهای انتانت به ضدانقلابیون پول خواهند رساند. کارگران همه کشورها — مسئله منافع حیاتی شماست، مسئله خون خود شماست!

اگر انقلاب روسیه به‌وسیله تلاش‌های مشترک سرمایه‌داران روسی و خارجی شکست بخورد، طبقات سرمایه‌دار شما را از یک میدان نبرد به میدان نبرد دیگر خواهند کشاند، تا آخرین قطره خونتان. ما نه برای صحبت از همدردی، بلکه برای یاری واقعی در نبرد شما را فرا می‌خوانیم. با تمام توان برخیزید، به خیابان‌ها بیایید، با هر وسیله در اختیار خود بر دولت‌هایتان فشار آورید. نباید زمستان چهارم جنگی در کار باشد. عبارات پرطمطراق

صلح دوستانه را نپذیرید. هر دولت را بر اساس آمادگی اش برای برقراری آتش‌بسی فوری در همه جبهه‌ها داوری کنید؛ بر اساس آمادگی اش برای ورود به مذاکرات و انعقاد صلح.

ما نمایندگان همه احزابی را که قصد دارند در این پیکار برای صلح شرکت کنند، به استکھلم دعوت می‌کنیم. مطالبات مصرانه و پیرانرژی برای گذرنامه‌ها مطرح کنید؛ آزادی رفقای زندانی‌ای را مطالبه کنید که از اعتماد پرولتاریای بین‌المللی برخوردارند، تا آنان نیز بتوانند در کار صلح شرکت کنند.

آتش‌بس فوری!

نگذارید حتی یک گلوله دیگر شلیک شود!

پیش به سوی مذاکرات صلح!

برخیزید برای پیکارِ صلحی که بر خواست‌های آزاد همه
ملت‌ها استوار است!

زنده باد همبستگی بین‌المللی پرولتاریا!

زنده باد سوسیالیسم!»